



پس

۲۸ ژوئن ۲۰۰۹



مُطرب و مطبخ!

«ابوالفضل فاتح، رئیس کمیته اطلاع رسانی [...] و تبلیغات ستاد میرحسین موسوی در گفتگو با ایرنا اظهار داشت، به خاطر ممنوع الخروج شدن، امثال بنده [...] از اعتقاد و علاقه به نظام دست بر نخواهند داشت.»

بله ایشان که از عشاق نظام توحش به شمار می‌روند، برای تبلیغات گروه موسوی از انگلستان راهی تهران شده بودند که گویا به دلیل جنگ زرگری گورکن‌ها با جنتلمن‌ها به صورت نمایشی ممنوع‌الخروج شده‌اند تا در «حناز چوبه» به «نظام» توحش ابراز عشق بفرمایند. این مزخرفات با کد خبر ۵۶۴۱۳۲ در حناز چوبه،

مورخ ۶ تیرماه سالجاری انتشار یافته. گفتیم که این روزها بازار عشق و عاشقی رسانه‌ای در جمکران خیلی داغ و گرم شده. اکبر بهرمانی «عاشق» خامنه‌ای می‌شود؛ فاتح هم عاشق نظام. این است «وودستاک» گورکن‌ها: ابراز عشق به خشونت! از «رهبر» خشونت گرفته تا «نظام» خشونت. موسیقی متن این خیمه‌شب‌بازی مهوع هم زوزه و روضه و سوگواری در مسجد برای بهشتی و همراهان است که توسط نظام مقدس با بمب «تصفیه» شدند. پس پردازیم به «وودستاک» اصلی و جون بائز.

«جون بائزی» که در سال ۱۹۶۹ در وودستاک حضور یافت، در سال ۱۹۹۹ با حضور در نفربرهای ارتش آمریکا در یوگسلاوی در واقع مرگ خود را اعلام داشت و به خیل «مطرب‌های پنتاگون» پیوست. البته عجیب نیست، ولی بسیار تأسف‌آور است. تأسف‌آورتر «کلیپ» ایشان برای «پیروزی» است که در «آشپزخانه» و در کنار «فر» و «کتری»، «قابلمه» و ... اجرا شده. جای سطل زباله چقدر خالی بود! ذوق تهیه کننده، فیلمبردار و مجری به راستی که ستودنی است. ما «پیروزی» در آشپزخانه» را نمی‌خواهیم، «با شما» هم نمی‌مانیم. و باز هم تکرار می‌کنیم، منافع ملی ایرانیان در تضاد با منافع محافل ینگه‌دنیا قرار می‌گیرد، با هنرمند، با مطرب پنتاگون و به ویژه با آنان که چامسکی «گله» روشنفکران» لقب داده.

اگر پروپاگاندا ارعاب از سوی اعضای ناتو جهت تحمیل «شرایط ویژه» بر ملت ایران پایان یافته، نوکران ناتو در جمکران به بهانه دفاع از «قانون» و دفاع از آراء مردم همان «شرایط ویژه» را بر ملت ایران حاکم کرده‌اند. امروز ارتش «هندوراس» برای «دفاع از قانون» بر علیه پرزیدنت «زلایا» در هندوراس کودتا کرد! گفته می‌شود زلایا از «کوستاریکا» تقاضای پناهندگی کرده. رئیس جمهور هندوراس، علیرغم مخالفت دیوانعالی کشور و مجلس نمایندگان قصد برپائی فراندوم برای تغییر قانون اساسی را داشت، تا بتواند یکبار دیگر در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کند. خلاصه آنچه در این کودتا عجیب به نظر می‌رسد، دخالت ارتش برای «دفاع از قانون» است.

این شاید نخستین نمونه کودتا باشد که با مفهوم رایج کودتا به عنوان ابزار «قانون شکنی» و برهم زنده نظم و «تعادل اجتماعی» در تضاد قرار می‌گیرد.

در مورد «حفظ تعادل» یک نکته مهم را یادآور شویم. و آن اینکه، «نفی» با هدف «تخریب» نشان «عدم تعادل» است! به عنوان نمونه، «نفی ترس»، زمانی که ترس منطقی باشد - ترس غیرمنطقی هم وجود دارد - نشانه «عدم تعادل» است. حال ببینیم «ترس منطقی» چیست؟ چرا که «احساس ترس» می‌تواند کاملاً منطقی باشد، زمانیکه در ارتباط مستقیم با واقعیت قرار می‌گیرد. زمانیکه فرد مسلحی ما را تهدید می‌کند، ترس ما کاملاً منطقی است. یک انسان بهنجار در چنین شرایطی می‌ترسد و سعی می‌کند خود را از خطر دور نگاه دارد. کسی که در چنین شرایطی ادعا کند که نمی‌ترسد یا دروغ می‌گوید، یا از «طالبان مرگ» است، یا مانند سایت بلاهت‌پرور زمانه به پروپاگاندا «مرگ‌ستانی» اشتغال دارد و می‌خواهد چنین وانمود کند که سینه سپر کردن در برابر فرد مسلحی که به سوی مردم شلیک می‌کند، نشان شجاعت است، نه حماقت.

آنچه اهمیت دارد این است که بدانیم «واکنش منطقی» در برابر «ترس منطقی» خشونت نیست! به عبارت دیگر کسی با دست‌خالی به فرد مسلح حمله نمی‌برد. البته صحنه‌های مهیج فیلم‌های هالیوودی را در این بحث کنار می‌گذاریم، چرا که این فیلم‌ها پروپاگاندا «قهرمان سازی» و تشویق به خشونت است. قصه و حدیث و روایات قهرمان بازی‌های داس‌الله و بی‌بی‌گوزک‌های کربلا را نیز فراموش می‌کنیم. انسان بهنجار و متعادل تلاش می‌کند خود را از خشونت به دور نگاهدارد؛ تحمیل و تحمل خشونت در واقع خشونت را افزایش می‌دهد. به عبارت دیگر، «خشونت مولد



خشونت» است. مگر اینکه خشونت به عنوان «مجازات قانونی» و بر اساس «قوانین انسان‌محور» اعمال شود. در غیر اینصورت «اعمال خشونت» و «استقبال از خشونت» فقط انسان‌ستیزی خواهد بود.

نوع دیگر «نفی» با «هدف تخریب» همان معرکه مهوعی است که نام فعالیت‌های انتخاباتی ۴ نامزد حکومت آب‌منگل‌ها را بر آن گذاردند، همان نامزدهائی که امروز به دلیل شکست پروژه کودتای ناتو در ایران، اکثرشان مانند رهبر جنایتکارشان «قانون‌مدار» از آب درآمده‌اند! روز گذشته در «کرفو» وزرای امور خارجهٔ اعضای ناتو برای از سرگیری همکاری‌های نظامی با روسیه به توافق رسیدند. یادآور شویم این همکاری‌ها در پی جنگ قفقاز متوقف شده بود، و بهتر است بدانیم «ایرنا»، شیپور سازمان سیا نیز در پی این جنگ به همکاری مطبوعاتی خود با روسیه پایان داد. این مختصر را گفتیم تا روشن شود، «مفسران» کور و کری که تفسیرهای گوساله‌پسند ارائه می‌دهند تا به ما بگویند روسیه از حکومت جمکران حمایت می‌کند مهم‌ل می‌بافند؛ حامیان حکومت جمکران در غرب نشسته‌اند.

حکومت اسلامی به دلیل نارضایتی گستردهٔ مردم، با توسل به خشونت، شعار پوچ و کودتای ناتو در ایران استقرار یافت و اربابان این حکومت قصد داشتند با استفاده از نارضایتی مردم و با تکیه بر همان ابزار پوسیدهٔ سی سال پیش، با یک کودتای دیگر باز هم میرحسین موسوی را برای اعمال خط توحش امام به صحنه بیاورند. اینهمه با یک تغییر کوچک: دوستی با آمریکا و دشمنی با انگلستان! ولی عامل تغییرناپذیر در این سیاست همچنانکه می‌بینیم سرقت دارائی‌های ما است که در برابر تاراج نفت در بانک‌های غرب انباشته می‌شود و در واقع دولت «مقتدر»، «مستقل» و «نه شرقی نه غربی» جمکران هیچ کنترلی بر آن ندارد. حال بازگردیم به کودتا برای «دفاع از قانون»!

پیشتر گفتیم که طی جنگ سرد پروپاگاندا غرب با توسل به واژگون‌نمایی، برای سرکوب آزادی‌خواهان، مخالفان فاشیسم را «طرفداران شوروی»

می‌خواند و دولت‌های فاشیست و دست‌نشاندهٔ خود را در جهان سوم «مدافعان آزادی» قلمداد می‌کرد. در کشورهای تحت سلطهٔ ایالات متحد روال این بود که با هی کردن آشوب‌طلبان به خیابان‌ها، در واقع سرکوب را گسترش داده نهایت امر کار را به براندازی و کودتا برسانند. البته در کشور ایران به دلیل حضور چند صد سالهٔ جنتلمن‌های نزولخور «سیتی» که از فدائیان شاه‌عباس، جلاد «روشنفکر» و حامی شیعهٔ اثنی‌عشری به شمار می‌روند، «آشوب‌پرستی» به شیوهٔ ناتو از قدیم‌الایام با «فتوی» پیوندی ناگسسته‌نی داشته. این پیوند مستحکم در واقع همان پیوند ناگسسته‌نی دستاربند و اوباش است که شادروان کسروی نیز به آن اشاره دارد. پیوندی که با هر «فتوی» و آشوب استحکام بیشتری یافته. با هر فتوی، دولت ایران هر چه بیشتر به دولت انگلستان مقروض شده، و با هر «فتوی» دولت انگلستان پروارتر شد و ملت ایران فقیرتر. تا اینکه انگلستان در سال ۱۹۵۳ پای آمریکا را نیز به دیگ پلوی الیزابت دوم در ایران باز کرد، که گاوچران‌ها نیز در سود «فتوی» شریک شوند. امروز که شمشیر بران «فتوی» کند شده و کسی آخوند جماعت را دیگر در ایران تحویل نمی‌گیرد، آنگلساکسون‌ها دارودستهٔ موسوی را برای ایجاد آشوب، و حفظ بساط آخوندها و در واقع تأمین منافع خود علم کرده‌اند.

امروز، به ادعای رسانه‌های غرب و بوق‌های‌شان در جمکران، ۴۰ میلیون ایرانی این حکومت توحش را تأیید می‌کنند! فرض می‌کنیم چنین باشد. می‌گویند ۴۰ میلیون نفر از طرفداران تئوکراسی در شبه‌انتخابات جمکران هم شرکت کرده، و ۲۴ میلیون نفرشان به احمدی‌نژاد رأی داده‌اند، موسوی هم ادعا می‌کند که این «اکثریت» کذا به او رأی داده. بسیار خوب! طرفداران موسوی که روز دوشنبه به خیابان‌ها آمدند و در تهران تعدادشان به صدهزار نفر هم نرسید. پس بهتر است پرزیدنت مهرورزی پس از کسب مجوز از وزارت



کشور جمکران از طرفداران‌شان دعوت کنند برای عربده‌جوئی و سردادن شعارهای ابلهانه به خیابان‌ها آمده «تظاهرات» فرمایند، تا مشخص شود اگر میرحسین موسوی - ایشان طبق معمول به دستور ارباب وارد صحنه شده و یک تنه در برابر نظام مقدس و رهبر مقدس‌تر آن ایستاده - دروغ می‌گوید، حداقل «راستگوئی» مهرورزی به اثبات برسد!

به عبارت دیگر ما پیشنهاد می‌کنیم طرفداران احمدی‌نژاد یک تظاهرات در سراسر کشور سازمان دهند تا مردم ایران به چشم ببینند که هم موسوی و هم احمدی‌نژاد هر دو دروغ می‌گویند. نه تنها عدد ۴۰ میلیون نفر کذا اختراع رسانه‌های غرب است که هیچکس در ایران نمی‌تواند طرفدار این دو جنایتکار باشد. در «نظام مقدس» اصولاً انتخابات نمی‌تواند مفهومی داشته باشد. چرا که «تقدس»، بنابر تعریف انسان‌ستیز است، حال آنکه انتخابات و شرکت در انتخابات «انسان‌محور» است و هیچ ارتباطی با «تقدس»، «معنویت» و «نفی» نخواهد داشت. مردم «برای تأیید» یک فرد، یا یک برنامه سیاسی مشخص به پای صندوق‌های رأی می‌روند نه برای «نفی» کسی یا برنامه‌ای.

آن‌ها که انتخابات را در کلام و تبلیغات‌شان به «ابزار نفی» تبدیل کرده بودند، و همچنین آن‌ها که از مردم برای «نه گفتن» دعوت به عمل می‌آوردند، در واقع بیش‌رمانه دست به نفی و تخریب انسان‌محوری زده‌اند. هدف اینان «تخریب انسان» و نفی «زندگی» است. هدف قراردادن مردم در برابر سگ‌های هار استعمار، به زندان انداختن جوانان و شکنجه شدن‌شان است که در بلندگوهای استعماری «ارزش» معرفی می‌شود، حال آنکه در واقع این «ارزش‌ها» فقط «تشویق خشونت» به شمار می‌رود. به همین دلیل است که امروز جنایت‌کاری به نام هادی غفاری نیز دست به عربده‌جوئی زده، خطاب به خامنه‌ای می‌گوید، «مرا هم به زندان بیاورید!» البته در زندان‌های جمکران کسی با هادی غفاری کاری ندارد، غفاری از دوستان پاسدار شریعتمداری است. هدف امثال هادی غفاری از نفس‌کش‌طلبی ارائه «الگو» به دیگران است، الگوی خشونت و توحش.

پس آن‌ها که با سوءاستفاده از نام «چامسکی» برای حمایت از میرحسین موسوی «بیانیه» صادر می‌کنند، به یاد داشته باشند که نوآم چامسکی از

طرفداران بی‌قید و شرط «حقوق بشر» و «آزادی بیان» است. چامسکی از مخالفان سرسخت جنگ و خشونت و «حقوق بشرنسبی» یا همان «فاشیسم» به شمار می‌رود. همچنین به یاد داشته باشند که «چامسکی» یک وب‌سایت «اطلاع‌رسانی» دارد و تا آنجا که ما می‌دانیم این روشنفکر شناخته شده طرفدار «خط امام»، «فمینیسم دینی»، و «مردم‌سالاری دینی» و این قماش مزخرفات نیست. و از همه مهم‌تر حضور بیانیه‌نویسان حرفه‌ای عرض کنیم، «چامسکی» همچون سوزان سونتگ، «پسامدرنیته» و اصل جادوئی «ترادف کلی» را به صراحت مردود دانسته، آنرا مضحک و ابلهانه می‌شمارد. و در پایان به بیانیه‌نویسان کذا یادآور شویم «توسل به نام مشاهیر» یکی از شیوه‌های شناخته شده پروپاگاندا جهت کسب وجهه برای یک «عقیده»، یک «استدلال» یا یک شیوه رفتار پوسیده و بی‌پایه به شمار می‌رود. روشنتر بگوئیم تلاشی است جهت مقبول نمایاندن آنچه در مسیر توجیه خود با سدی پایه‌ای روبرو می‌شود، سدی که عقل سلیم و «منطق انسانی» نام دارد.

